

## پایش بازار



## پویایی های بازار

۱- قیمت نفت به بالاترین مقدار خود از ژانویه ۲۰۲۰ یعنی ۶۷ دلار در روز پنج شنبه رسید و مجدداً به زیر ۶۶ دلار هر بشکه رسید. قیمت نفت تگزاس اینترمدییت نیز بالاتر از ۶۲ دلار رسیده است. قیمت گاز طبیعی در بازار هنری هاب مجدداً از ۳ دلار هر میلیون بی تی یو کمتر شده و ۲٫۷ دلار رسید. قیمت نفت پیش بینی می شود که بیشتر از این هم بشود. برخی از بانک های سرمایه گذاری از قیمت نفت ۱۰۰ دلاری صحبت می کنند. کمتر شدن تهدید بیماری کووید-۱۹ و بیشتر شدن فعالیت های تجاری و بسته تشویقی برخی از دولت ها از جمله آمریکا برای فعالتر شدن اقتصاد کشورها از جمله دلایل افزایش قیمت نفت در آینده هست. در ۴ مارس (۱۴ اسفند) جلسه وزرای نفت و انرژی کشورهای عضو ائتلاف اوپک پلاس تشکیل جلسه خواهند داد و به احتمال بسیار مجوز تولید ۵۰۰ هزار بشکه اضافه بر تولید فعلی اعضاء تصویب خواهد شد.

## تفسیر هفته

۲- بیماری کووید-۱۹ بنظر می رسد تاثیر تمدنی بر زندگی انسان دارد. رفتار بشریت در دوره شیوع این بیماری و حالا مبارزه برای پایان بخشیدن به آن، زندگی را دگرگون می کند. شیوع بیمار کووید-۱۹ در سراسر جهان در ۲۰۲۰ در همه بخش های زندگی انسان تاثیرگذار بود، اما تاثیر آن بر بازار انرژی بنظر می رسد انکارناشدنی است. بازار بزرگ انرژی با حامل های متعدد مانند ذغال سنگ، نفت خام، گاز طبیعی، برق، انرژی خورشیدی، بادی و هسته ای یکی از سه سکتور اصلی اقتصاد جهان است. این بخش از اقتصاد از ظهور و همه جاگیری ویروس کرونا تاثیرات عمده ای گرفت. بیشترین تاثیر در مقدار تقاضا و قیمت شاخص ترین حامل انرژی یعنی نفت خام رخ داد. در حالیکه تقاضا برای نفت خام در ۲۰۱۹ به ۱۰۲٫۵ میلیون بشکه در روز رسیده بود، این مقدار بصورت متوسط در ۲۰۲۰ به ۹۱ میلیون بشکه در روز رسید. برخی از صاحب نظران معتقدند که جهان از قله نفتی یعنی بیشترین مقدار تولید نفت عبور کرده و دیگر

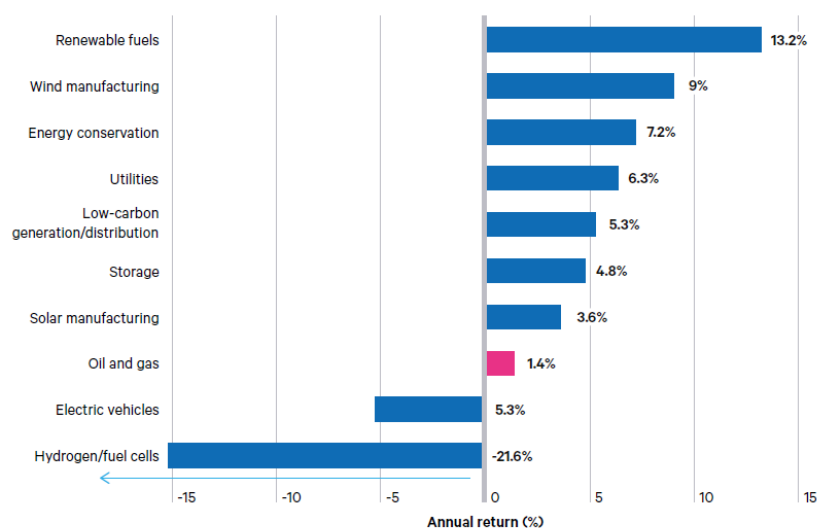
بیشتر از ۱۰۲,۵ میلیون بشکه در روز تقاضای جهانی نخواهد بود. برخی دیگر معتقدند تا ۲۰۳۵ تولید نفت خام جهان افزایش یافته و با قله ای حدود ۱۱۵ میلیون بشکه در روز در ۲۰۳۵، سپس شاهد افت تقاضا برای نفت خام جهان خواهیم بود. با نگاهی به تاریخ نفت از ۱۸۵۰ تاکنون به این نکته می‌رسیم که تجربه ۲۰۲۰ نادرترین تجربه برای بازار نفت خام بود. با کم شدن و سپس متوقف شدن حمل و نقل هوایی مسافری، بسته شدن کارخانجات، کمتر شدن حضور اجتماعی و نتیجتاً کمتر خرید و فروش در سطح خرده فروشی، و نهایتاً تغییر رفتار مصرف کننده، عرضه نفت بر تقاضا پیشی گرفت و نتیجتاً انبارها و مخازن نفتی اشباع شد. از ماه مارس ۲۰۲۰ علاوه بر افت تقاضا بخاطر شیوع کرونا، عربستان سعودی و روسیه نیز با یکدیگر اختلاف پیدا کرده و مسابقه تولید بیشتر را کلید زدند. در مارس ۲۰۲۰ اضافه عرضه بر تقاضا باعث شد که آن قدر نفت در بازار مازاد تقاضا باشد که در سه ماهه اول ۲۰۲۰ بصورت متوسط ۶ میلیون بشکه در روز اضافه عرضه را نشان داده و حدود ۲ میلیارد بشکه نفت در مخازن وجود داشته باشد. در ماه بعدی یعنی آوریل، قیمت های نفت بدلیل کاهش تقاضا و اختلافات عربستان و روسیه به قیمت منهای ۳۷ دلار هر بشکه رسید. یعنی اگر کسی نفت خام وست تگزاس اینترمدییت را مالک بود باید ۳۷ دلار هم به خریدار می پرداخت تا نفت را زودتر از انبارها بیرون بکشد. در سه ماهه دوم ۲۰۲۰ تقاضا برای نفت به مقدار ۱۶,۴ میلیون بشکه در روز نسبت به سال قبل سقوط کرد. اینک در ماه های اول ۲۰۲۱ آن چه که از سال قبل برای کشورهای تولید کننده و مصرف کننده نفت مانده است، کاهش رشد اقتصادی در کشورها نسبت به سالهای قبل، کمتر شدن تقاضا برای انرژی و فراهم نبودن منابع مالی برای شروع پروژه های جدید است. بخصوص که پیش بینی می شود که بحران اقتصادی و مالی ناشی از کرونا دیرتر از بحران های مشابه رفع شود. شرکت های فعال در بالادستی انرژی و بخصوص شرکت های خدماتی کم نبودند که ورشکست شدند. کشورهای تولید کننده نفت خام هم با کمبود بودجه مواجه شدند. بنابر نظر وودمکنزی ۷۵ درصد از پروژه های بخش انرژی نمی توانند از نظر هزینه-درآمد سربسر شوند، اگر قیمت نفت در اندازه ۳۵ دلار هر بشکه باقی می ماند. شرکت های بزرگ نفتی موسوم به هفت خواهران نفتی از پروژه های اکتشاف و توسعه ذخائر دست نخورده دوری کرده و به دنبال آن هستند که هم در سرمایه گذاری و هم در نوع حامل انرژی متنوع تر عمل نمایند. شرکت های کوچک و متوسط فضا را برای توسعه کار خود باز دیده و فعالتر شده اند. این گونه شرکت ها نیز مانند شرکت های بزرگ نفتی تحت فشار سرمایه گذاران - که دیگر مایل به سرمایه گذاری در منابع انرژی با تولید کربن زیاد نیستند - و همچنین لابی طرفداران محیط زیست هستند.

۳- واقعیت این است که با عدم قطعیت های متعددی بر سر بخش انرژی روبرو هستیم. در عین حال برخی از چشم اندازها از میان تاریکی و مه آلود بودن فضا خود را نشان می دهند. از جمله:

- چشم انداز، هزینه تولید، و اندازه اکتشافات سه عاملی هستند که سرمایه گذاری را توجیه کرده و مقدار بشکه های نفت تولید شده در آینده را می سازند.

– اکنون این نظریه مطرح است که زمان شکوفایی و گسترده تر شدن صنایع مربوط به نفت و گاز دیگر گذشته و بشر لاجرم پا در گذار انرژی از انرژی های فسیلی به انرژی های تجدیدپذیر و یا پاک قرار داده است. پس از این پس مقدار سرمایه گذاری در صنایع نفت و گاز کمتر شده و حوزه های نفتی و گازی ساده، با ریسک کمتر و کم هزینه برای سرمایه گذاری انتخاب می شوند. به تدریج نرخ بازگشت سرمایه برای انرژی های نو بیشتر شده و برای انرژی های فسیلی با توجه به هزینه های حبس و انبار کردن کربن کمتر می شود. آخرین گزارش موسسه امور بین المللی سلطنتی انگلستان حاکی از آن است که نرخ بازگشت سرمایه مجموع فعالیت های نفت و گاز از ۲۰۱۵ تاکنون ۱,۴ درصد است، در حالیکه این عدد برای سوخت های تجدیدپذیر ۱۳,۲ درصد است.

Figure 8. Average returns since 2015 by segment



Source: IHS Markit.

– عموماً شرکت های دولتی نسبت به محاسبه ریسک و در نظر گرفتن آن ضعیف هستند. بخصوص برای بحران هایی که بیشتر طول می کشد. توجه شود که همچنان عدد مطلق سرمایه گذاری اولیه در انرژی های تجدیدپذیر چندین برابر انرژی های فسیلی است.

– در مورد گاز توسعه تولید آن به هزینه، قیمت ارز، نزدیکی به بازار صادرات و اندازه بازار محلی دارد. اما هر جای دنیا بازار گاز با جای دیگر فرق دارد و این اختلاف اساسی نفت خام و گاز طبیعی است.

– تولید برق افزایش خواهد یافت، چون انرژی پاک محسوب شده و انتقال آن آسان است.

– انرژی های پاک تبلیغ می شوند و جامعه به سمت آنان می رود، چون اخلاقی ترند.

۴- مشخص نیست تا چه اندازه بیماری کرونا برقرار است و تا چه اندازه سریع بشر از این بحران رد می شود. بنابراین اختلال در مسائل بخش نفت و گاز هم مشخص نیست. اما آن چه که قطعی است، این است که

یک بار دیگر فرصتی برای ایران پیدا شده تا با استفاده از ذخائر عظیم نفت و گاز خود، درهای توسعه را بر روی کشور بگشاید. به این دلیل برای ایران چند پیشنهاد ارائه می شود:

- سیاست گذاری انرژی در این گونه موارد مورد نیاز است: مجموعه ای از سیاست ها در سطح ملی مربوط به بخش حکمرانی، ضوابط، و مقررات که باید وسیع و گسترده باشد. سیاست گذاری انرژی در ایران برای پس از بحران کرونا می تواند در سه سطح استوار شود.

○ اول: ایجاد اعتماد و مرتب کردن برنامه ریزی در درون شرکت های وابسته به وزارت نفت.

○ دوم: ایجاد ارتباط و نزدیک شدن به شرکت های ایرانی خصوصی مانند شرکت های پیمانکاری و ساختمانی.

○ سوم: ارتباطات وسیعتر با شرکت های منطقه بخصوص با بنگاه های کشورهای که ایران منابع مشترک نفتی و گاز با آنها دارد.

○ و نهایتاً با شرکتهای دیگر در سطح جهانی، چه آنها که معروف هستند و چه آنها که نیستند.

- افزایش تاب آوری در بخش بالادستی صنایع نفت و گاز از جمله راهبردهایی است که باید در نظر گرفته شود. این کار در چند سطح می تواند صورت گیرد:

○ اول: آماده بودن برای ارزیابی ریسک جامع در بحران های مشابه.

○ دوم، داشتن یک برنامه عکس العمل و ارتباط در مواقع بحرانی.

○ سوم، تمهید یک بیزینس پلان برای مشخص کردن وظایف اساسی و استفاده از برنامه ریزی مبتنی بر سناریو برای آماده بودن با وضعیت جدید

○ و چهارم، مستند سازی درسهایی که می توان از بحران برای مقابله بحران های بعدی فرا گرفت.

- اکثر پیش بینی نهادهای بین المللی و شرکت های مشاوره ای بر این اندیشه استوار است که غلبه بر پیامدهای ویروس کرونا در بخش نفت و گاز بر راه حل های ملی بنیان شده است. از جمله

○ در محیط متغیر کنونی، دولت ها باید اهداف بخش انرژی را مرور نموده و برای دراز مدت نقشه راه را برای کشور خودشان طرح کنند.

○ سرمایه گذاری در سطح ملی در بخش نفت با توجه به ریسک کم و بازده درازمدت قابل اعتنا و تاثیر آن در بخش رشد اقتصادی و درآمد ملی باید بصورت یک اولویت درآید.

- شرکت های نفت و گاز در بخش عمومی کشور باید خود را با بخش های برنامه ریزی، مالی، و سازمان محیط زیست تا حد امکان هماهنگ نمایند. این گونه تاب آوری بخش نفت و گاز کشور زیاد می شود.
- نکات منفی فعالیت های اکتشاف، استخراج، تولید، فرآورش، انتقال، و مصرف آن بر تغییر اقلیم و محافظت از محیط زیست دیده شود. بنظر من با برنامه ریزی می توان هم تولید نمود وهم تبعات زیست محیطی آن را کمتر کرد. تبعات تولید نفت از چاه های متعارف، با نفت و گاز شیل از بعد آلودگی آب و خاک قابل مقایسه نیست.
- می توان رفتار مردم خودمان در مصرف انرژی را تا با توجه به شیوع کرونا و آگاهی های عمومی تصحیح کرد.
- بنظر می رسد که یکبار دیگر محیط بین المللی برای فعالیت های اقتصادی ایران در حال مهیا شدن است. این بار بدون آن که موقعیت ها را از دست دهیم از همکاری با شرکت های کوچک و متوسط دریغ نکنیم. بنظر می رسد که در این صنعت تحول اساسی صورت گرفته و مانند گذشته تصمیم گیری در اختیار هفت خواهران نفتی نیست. شرکت های بزرگ بدنبال انتقال دادن فعالیت های خود به انرژی های تجدیدپذیر و صفر کردن ردپای کربن شرکت خود تا ۲۰۵۰ هستند. اما صدها شرکت کوچک و متوسط در صنایع نفت و گاز آماده همکاری و اجرای پروژه در مناطق جذاب مانند ایران هستند. پیشنهاد می شود یک گزارش مستدل و آگاهی بخش نوشته شده و مشخصات فیلدها و حوزه های نفت و گاز ایران برای آنان توضیح داده شود.
- ایران بدهی مالی به خارج از کشور نداشته و این یکی از مزیت های این کشور است.
- مسائل حقوقی و قراردادهای را از امروز به روز کنیم و مشکلاتشان را رفع کنیم. به وزارت نفت اختیار دهیم تا کار خود را بکند.
- و نهایتا ساده و بهتر کردن وضعیت قوانین، مقررات و ضوابط و حداکثر محول کردن وظیفه نظارت به رگولاتوری ها.